

بررسی تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار

از نظر واژگان، زبان و بلاغت

دکتر صدیقه سلیمانی
دکتر یونس، عالی عباس آباد
دکتر امیرحسین آریان

Sinanogor publishing

سینا

۱۳۹۵



سرشناسه	: سلیمانی، صدیقه، ۱۳۵۲-
عنوان اثر	: کشف الاسرار و عدةالابرار. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی تفسیر کشف الاسرار و عدةالابرار: از نظر وارثان، زبان و بلاغت/ صدیقه سلیمانی، یوسف عالی عباس آباد، امیرحسین آریان.
مشخصات نشر	: تهران: سینانگار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۳-۳۰۱-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
یادداشت	: کتابخانه.
موضوع	: میبدی، احمد بن محمد، قرن ۹ق.، کشف الاسرار و عدةالابرار، نقد و تفسیر
موضوع	: تفاسیر عرفانی، قرن ۹ق.
موضوع	: Qur'an - mystical hermeneutics - 12 th century
موضوع	: تفاسیر اهل سنت، قرن ۹ق.
موضوع	: Qur'an - *Sufi hermeneutics - 12 th century
شناسه افزوده	: عالی عباس آباد، یوسف، ۱۳۵۲.
شناسه افزوده	: آریان، امیرحسین، ۱۳۵۰-
شناسه افزوده	: میبدی، احمد بن محمد، قرن ۹ق.، کشف الاسرار و عدةالابرار. شرح
رده‌بندی کنگره	: BP۱۰۰/م۹ک۵۰۲۱۵ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۸۶۹۳۵



زینب
سید



بررسی تفسیر کلمات السرار و عدة الابرار

از نظر وارثان، زبان و لغت

مؤلفین: دکتر صدیق سمیعی

دکتر یوسف عالی عباسی

دکتر امیرحسین آریان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپ: نینوا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۴-۳۰-۱



تهران، رسالت، خیابان فرجام، پلاک ۳۶، طبقه ۳

تلفن: ۷۷۱۱۶۸۱۳

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	فصل اول: واژگان
۹۹	فصل دوم: زبان و ویژگی‌های دستوری
۱۴۳	فصل سوم: بلاغت
۱۵۱	کتابنامه

مقدمه

تفسیر معروف به «تفسیر سورآبادی» تألیف ابوبکر عتیق نیشابوری، متوفی به سال ۴۹۴ هجری قمری، یکی از کامل ترین تفسیرهای قرآن به زبان فارسی است که خوش سانه تمام آن امروزه در دسترس است. تفسیر سورآبادی، بر اساس شواهد و نسخ موجود از نظر رسم و شیئگی، سومین تفسیر است. کهن ترین تفسیر فارسی موجود ترجمه تفسیر طبرستان، جلدهد سال ۳۵۰ هجری و تاج التراجم فی تفسیر القرآن للعاجم، معروف به «تفسیر الرازی» مسیف شاهفور عماد الدین ابوالظفر طاهرین محمد الأسفراینی متوفی به سال ۴۷۱ هجری است.

تفسیر سورآبادی، علاوه بر ارزش و اهمیتی که از نظر تفسیر قرآن کریم دارد، یکی از متون باز مانده از قرن پنجم هجری، یکی از نمونه های نشر روان و لطیف و شیوای فارسی است و از نظر تطور زبان فارسی و تحول آن مدرک بسیار ارزنده ای است.

مجتبی منیوی، در مقدمه ای که بر چاپ عکس از سبع پنجم و ششم تفسیر سورآبادی نوشته، نکته ای درخور را در این خصوص تأکید دارد: «علاوه بر فواید عمومی که از نسخ خطی قدیم و تألیفات قرن چهارم تا هفتم هجری از لحاظ انشا و دستور زبان و لغت و رسم خط عاید تتبع کنندگان می شود، کتب اینر مذهبی مانند تفسیرها و فقه فایده خاص نیز دارد و آن اینکه نویسندگان آن ها مقید به رعایت که در ترجمه و در استعمال الفاظ و اصطلاحات معادل کلمات و تعبیرات عربی به شرط امانت عمل کنند و لفظی بیاورند که معنای صحیح متن عربی را برساند تا مبدا که خواننده در فهم احکام و مطالب دین دچار اشتباه شود و گمراهی او گناهی متوجه نویسنده کند و چون معنی صحیح و محدود آن الفاظ عربی عموماً معلوم است، از این

مقابله الفاظ می‌توان به معنی صحیح و دقیق لغت فارسی پی برد. «(عتیق نیشابوری: تفسیر سوره‌آبادی، چاپ عکسی نسخه خطی، مقدمه)

تفسیر سوره‌آبادی، تفسیری بزرگ است و ظاهراً مؤلف آن را به هفت سبع، نظیر هفت سبع قرآن، تقسیم کرده است. سوره‌آبادی برای تفسیر قرآن، معتقد است که برای منسّر باید علم ۱۴ چیز حاصل شده باشد: تفسیر، تأویل، معنی، تنزیل، وحی، کلام، قرآن، کتب، فرقان، قرآن، سوره، آیت، کلمه و حروف. وی هر یک از این ۱۴ چیز را تریف و تبیین کرده است. در معنی تفسیر می‌گوید: «تفسیر از طریق لغت تبیین و ایضاح باشد. چنانچه سونید فسرت الحدیث ای بینته و اوضحته. واشتقاق تفسیر، گروهی گفته‌اند از «تیره» گرفته‌اند (به بعضی فاروره = شیشه آزمایش پزشکی)، سوره‌آبادی معتقد است این اشتقاق درسته نیست زیرا که «تفسره» لفظ رومی است. اطباء روم نهاده‌اند و تفسیر لفظ عربی است. حافظ عربی مشتق نبود از لفظ روم. پس تفسیر در اصل «تسغیر» بوده است و تسغیر در لغت روشن کردن بود. و تفسیر که در اصل تسغیر بوده، «فاء» را بر «سین» مقدم کردند. چنانکه در لغت گویند: جذب و جذب. رک: (عتیق نیشابوری: تفسیر سوره‌آبادی ۳/۱-۴)

در معنی «تأویل» گوید: «أما تأویل، عاقبت چیزی است. پس در اشتقاق آن از مأل است و هو صرف الکلام الی المأل ومأل، عاقبت هر چیزی گفته‌اند اشتقاق تأویل از اول است و هو صرف الکلام الی اوله و این هر دو مأل در معنی به هم قرین است.» (همان: ۴/۱)

در تعریف «قول» گوید: «أما قول، حروفی بود مرتب به ترتیب. پس قول، مسموع مفهوم مؤدیه المعنی علی طریق المواضعه و قرآن را قول گویند بر این معنی.» (همان: ۵/۱)

نیز در تعریف «سوره» گوید: «أما سوره، از طریق لغت، رفعت بود و سوره را سوره گویند زیرا که آن بعضی بود از قرآن چنان که والاد، بعضی بود از دیوار و بنا. و گروهی گفته‌اند اشتقاق سوره از سورالدواب گرفته‌اند و آن بقیه شراب او بود و

سوره را سوره گویند زیرا بقیتی بود از قرآن. (همان: ۶/۱)

عتیق نیشابوری، علت ترجمه به فارسی و یا تفسیر فارسی قرآن کریم را دو چیز عمده می‌داند: «اما این تفسیر را از بهر آن به پارسی کردیم که از ما چنین درخواستند تا نفع آن عام تر بود و نیز تا خوانندگان این ترجمه، توانند کرد قرآن را به عبارت پارسی خواندن. چه اگر به تازی کردیمی آن را معلمی دیگر بایستی تا ترجمه مطابق و موافق و دی و مقصود مهین از تفسیر قرآن، اولاً ترجمه و عبارت نکو است آنکه معانی و شأن نزول و اقوال مفسران و تلیق آیات و حل مشکلات [دوم] و نیز قرآن را به هیچ یک از تازی عبارت نتوان کرد نکوتر از آن که خود ظاهر نظم قرآن است و حاجت که هست بیشتر به ترجمه پارسی است درخور ظاهر آن.» (همان: ۷/۱)

نام تفسیر:

در اغلب نسخه‌هایی که از این تفسیر شریف برجای مانده است، نام آن «تفسیر سورآبادی» یا «تفسیر سورآباد» است. در مقدمه نسخه بادلیان و خالدابواب، به نام «تفسیر التفاسیر» خوانده شده است. ظاهراً یکی عتیق، خود تفسیر را به این نام خوانده است.

روش و شیوه تفسیر:

سورآبادی معتقد است که نکوترین تفسیر آن است که پیامبر کرده است و از پیغمبر علیه السلام، روایت‌های بسیار کرده‌اند، ولیکن معروفتر از آنست که عبدالله بن عباس رضی الله علیه روایت کند. زیرا که او بر تفسیر قرآن - همان‌طور که بوده است - بنابر این روش تفسیر سورآبادی، «روایی» است. اصل تفسیر بر روایت عبدالله بن عباس مبتنی است، راویان و مفسران دیگری که عتیق نیشابوری از اقوال آنها استفاده کرده است عبارتند از: عبدالله بن مسعود، جعفر بن محمد الصادق، محمد خنیفه، وهب منبه، کلبی، سدی، انس بن مالک، فضل عیاض، بو عمرو مازلی، حمزه کسایی، اسحق محمشار، طاووس بن کيسان، عبدالله سرخسی، استاد محمد بن احمد بن جعفر، بوسهل انصاری، عبدالله بن مبارک الدینوری.

— عتیق نیشابوری، در ابتدای هر سوره، ابتدا فضیلت آن را بیان کرده است به

صورت «خبر است از مصطفی ...» و آن را در تمام سوره‌ها مراعات کرده است. به عنوان مثال در ابتدای سوره یوسف، نوشته است: «خبر است از مصطفی علیه السلام» که او گفت هر که سوره یوسف را بخواند، خدای تعالی سكرات مرگ بر وی آسان کند و به وزن هربنده، ذره‌ای درد یوان وی بنویسد. هر ذره‌ای صد طاعت. (همان: ۲، ۱۰۹۰) ذکر فضیلت هر یک از سوره‌ها، به صورت «خبر است ...» با وجود تمام اختلاف‌هایی که در نسخه‌های مختلف تفسیر به چشم می‌خورد، در تمام نسخه‌ها به یک صورت، بنی همان «خبر است از مصطفی ...» ضبط شده است.

— ترجمه آیه: ترجمه را به صورت کلمه به کلمه کرده است.

— به غیر آن، زمانی آن: مفسر به شرح واژگان ترجمه شده در آیه پرداخته است. در ترجمه به‌ها در بسیاری از موارد برابرنهاد (= معادل) های فارسی به کار برده است. به عنوان مثال، ترجمه آیه پایانی آیه ۱۹ سوره آل عمران، «فان الله سریع الحساب»، معادل «سريع الحساب» را «زود شمار زود پاداش» قرار داده است. (همان: ۲۶۷/۱) گاهی هم کلاً از واژگان مترسک استفاده می‌کند: «ای فرزندان یعقوب، یاد کنید نکوداشت مرا که نکوداشت مردم شما را به اهلاك فرعون و رهانیدن شما از عذاب و فلق بحر و انزال من و سلوی و نظایر غصه و ارسال عمود تور و دیگر نیکوهایها که با ایشان کرد.» (همان: ۶۱/۱)

— ذکر اشتقاق واژگان آیه: در محبت اشتقاق، از اشعار عربی به عنوان شاهد مدعا مثال آورده است. به عنوان نمونه: «اشتقاق الله، گروهی معتقدند که از اله یاله گرفته‌اند و اله یاله، آن بود که سکن یسکن. چنانکه شاعر گوید:

الهنا بدار لاتبید رسوما / کان بقایاهن وشم علی الید

الهنا، ای: سکن. (همان: ۱۲/۱)

— در مواقع لزوم، در خصوص واژگان یا ترکیب‌ها و در خصوص تقدیم یا تأخیر بعضی از اجزاء جمله بر بعضی دیگر، بحث‌های لغوی و نحوی کرده است. مانند: «و اذا قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة. یاد کن چون گفت خدای تو ... و

گفته‌اند این «اذا» به معنی «قد» است. ای، و قد قال ربک. و گفته‌اند این «اذا» صلت است؛ ای، قال ربک. (همان: ۴۹/۱)

چرا گفت اهبطو مصرًا، نگفت مصری تنوین، بعدما که مصر لا یصرف است. چنانکه جای دیگر گفت: اشتريه من مصر؟ جواب گوییم مصر و دیگر اسماء بلدان چون معرفه بود، لا یصرف بود. اما نكرة متصرف بود و این نكرة است. ای: اهبطو مصرًا بن الامصار. زیرا که این را صرف کرد به تنوین. (همان: ۷۹/۱)

— رسائل نحوی و بیان و تبیین آن‌ها، به آیات عربی استناد می‌کند: والصابرين . چرا به نصب است . چرا نگفت والصابرون. چنانکه گفت : والموفون، به رفع؟ جواب گفته‌اند: وانصبرين نصب، علی المدح است چنان که شاعر گوید :

ایم من قوم الذین هم / سم العداة و آفه الجور

انما ازین کل معترف / والطیبون معاهد الازر

النازلین، نصب علی المدح است

گاه، برای توضیح مفردات اعم از بیامش نحوی، در موارد نادری، از شواهد فارسی نیز استفاده می‌کند. به عنوان مثال در تفسیر «شهد الله» در آیه «شهد الله أنه لا اله الا هو» می‌گوید: ... و گفته‌اند شهد الله بملرب فی العاقل و وضع من الاذله. و از اینجا گفته‌اند: کل صاحب ناطق، چنانکه عتیق گوید: مقصر، خود مفسر است.]

بر صنع اله بی عدد برهان است

در برگ گلی هزاران گلستان است

روز از چه دراز و روشن و تابان است

آن را که نه دیده روز و شب یکسان است

(همان: ۲۶۵)

— بررسی سؤالات و اشکالاتی که در خصوص آیه ممکن است وجود داشته باشد. به عنوان مثال: تلك عشرة كاملة: آن ده روز تمام باشد. سؤال: چه فایده بود در آن که گفت سه و هفت ده تمام باشد بعدما که هرکس خود این داند؟ جواب گفته‌اند معناه: كاملة فی الاجر و الثواب لا فی العدد. (همان: ۱۷۰/۱-۱۷۱)

— مفسر شأن نزول آیه‌ها را می‌نویسد. در این باره مؤلف اقوال مختلف مفسران را آورده است: «ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احياءٌ». شأن نزول این آیت، آن بود که یاران رسول شهداء بدر و احد را می‌گفتند: مات فلان کذا و مات فلان کذا. ایشان را مرده می‌خواندند. خدای تعالی فرمود که ایشان را مرده مخوانید برای تعظیم ایمان را. (همان: ۱۳۸/۱-۱۳۹)

— اگر آیه مورد خلاف و اختلاف داشته باشد، آن را ذکر می‌کند: «گروهی گفته‌اند بسم الله الرحمن الرحیم بر سر هر سورتی، آیتی است از آن سوره. گروهی گفته‌اند آیتی تمام نیست، لکن از آن سوره است، گروهی گفته‌اند آیتی است مکرر در قرآن ...» (همان: ۱۴۱)

مفسر، معدلاً، بیل خب را به زبان عربی مطرح می‌کند: «یا بسم الله را چرا به کسر کردند نه به فتح بسم، که سبع اخف الحركات؟ جواب گفته اند: بقاء در اصل ساکن است و الساکن اذا حُرک حُرک الم یکسر ...» (همان: ۱۴۱)

مفسر، جز موارد انگشت شست را آنچه در اشتقاق، تفسیر ذکر کردیم، به هیچ وجه به نقد مطالب و اقوال مفسران درباره معنی واژگان، اشتقاق، مباحث نحوی دیگر و... نمی‌پردازد و فقط به ذکر آن‌ها بسنده می‌کند.

استساخ‌های تفسیر سوراآبادی:

تفسیر عتیق نیشابوری، از مهم‌ترین تفسیرهای فارسی در گذشته و حال بوده است. از نشانه‌های ارزش و اهمیت آن، استساخ‌های متعددی است که از این تفسیر وجود دارد. ارزش آن، تابدان جایی است که شیخ احمد جبه از بزرگ‌ترین عارفان خراسان، بدان استناد کرده است. در ذیل به معرفی نسخه‌های موجود این تفسیر می‌پردازیم. تاکنون نسخه‌هایی که شناخته شده، عبارت است از:

- ۱- دیوان هند، مورخ ربیع الآخر سنه ۵۲۳. با آیه ۵۶ از سوره مومنین، که ابتدای سبع پنجم است، شروع می‌شود و با ترجمه آیه ۳۰ از سوره الفتح، تمام می‌شود. که انتهای سبع ششم است. این نسخه، با مقدمه کوتاهی از استاد مجتبی مینوی و در سلسله

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده است.

۲- موزه بریتانیا، مورخ ۱۵ رمضان ۵۳۵. با اولین آیه از سوره مریم شروع می شود با تفسیر آیه ۲۰ از سوره فرقان تمام می شود. در صفحه اول تفسیر به خطی ظاهراً غیر از خط کاتب نسخه نوشته شده است: «مجلد ششم از تفسیر سورآبانی».

۳- بورسه، حسین چلبی، مورخ ۲۲ شعبان ۵۷۴. با حمد خدای و مقدمه شروع می شود و با آیه ۶۱ از سوره نساء تمام می شود. در این تفسیر، نام آن «تفسیر سورآبانی» ذکر شده است.

۴- مغنیساگنل، مورخ یکشنبه، پایان ذی قعدة ۶۱۲. با سوره الحجرات شروع و با سوره الناس تمام می شود. نام تفسیر، «تفسیر سورآبادی» ذکر شده است.

۵- بادلین، مورخ ۶۸۴. با اوایل مقدمه مصنف شروع و با آخرین آیه از سوره مائده تمام می شود. نام آن «تفسیر سورآبادی» ذکر شده است.

۶- خزینه خالد، حضرت خالد اب، مورخ شهر مبارک رجب سنه ۷۰۴. با ترجمه آخر آیه سوم از سوره «ص» شروع و با تفسیر سوره الناس تمام می شود. نام تفسیر «تفسیر التفاسیر» ذکر شده است.

۷- قونیة، موزه مولانا، درشش مجلد. با اول آیه ۶۲ از سوره نساء شروع و با تفسیر سوره الناس تمام می شود. تاریخ کتابت جلد اول ۲۲ رجب ۷۲۳ و جلد ششم ۲۲ صفر ۷۲۵ است. نسخه مذکور، کامل ترین نسخه موجود تفسیر است ولی نام تفسیر و مفسر ذکر نشده است.

۸- دیوان هند، مورخ ۸ ذیقعدة سنه ۷۳۰، با مقدمه مصنف شروع و با آخرین آیه از سوره الانعام پایان می یابد. این نسخه جلد دومی نیز دارد که با سررد الاعراف شروع می شود و با تفسیر قسمت اول از آیه ۳۷ سوره ابراهیم تمام می شود.

۹- لایدن، مورخ سنه ۷۶۹. با سوره الاعراف شروع و با آیه ۱۱۰ سوره الکهف تمام می شود.

۱۰- ملی پاریس، بلوشه، مورخ ۱۰ ربیع الاول سنه ۷۸۰، با سوره النجم شروع و با سوره الناس تمام می شود. در بین اوراق سقطهای زیادی دارد. ذکری از اسم مصنف

و تفسیر نیست.

۱۱- لایدن، بی تاریخ است. با آیه ۶۲ از سورة النساء شروع و با آیه ۵۴ از سورة الاعراف تمام می شود. از روی خصوصیات رسم الخط، آن را می توان از قرن ششم هجری دانست.

۱۲- پیرهادی در استانبول، بی تاریخ. صفحه اول و دوم مربوط است به سورة سحر، آیات ۴۹ تا ۳۶. صفحه سوم، با اواخر قصه معراج (اوایل سورة بنی اسرائیل) شروع می شود و از آن پس تا تفسیر سورة الاخلاص، که آخرین قسمت موجود است، تمام می شود. در تفسیر آیه ۴ از سورة الحديد آمده است: «من که مصنف این تفسیر، بوبکر سورانی ...» آن نسخه از اوایل قرن هفتم است.

۱۳- برن، امرارت، بی تاریخ. مشتمل بر آیات ۱۸۴ تا ۱۳۵ سورة بقره و از آیه ۲۲۹ از سورة بقره تا آیه ۱۵۱ از سورة الانعام. گمان می رود تاریخ کتابت آن ۷۰۰ هجری باشد.

۱۴- دیرسدن، مشتمل بر تفسیر سورة ی اول و دوم و سوم، در این تفسیر، نام مفسر، «سورایانی» ضبط شده است.

۱۵- تبریز، کتابخانه ملی، مورخ سده ششم و هفتم، مشتمل بر سبع نخستین است و در آن، روش سؤال و جواب به کار رفته است.

۱۶- قاهره، دارلکتب، تفسیر فارسی طلعت، نوشته محمد فرزند محمد علی، مورخ ۱۰۱۹ قعده ۸۶۶ در ربع یکم است از سورة الفاتحه تا الانعام.

۱۷- حسین چلبی در بورسه با ابتدای قرآن با سقط چند ورق شروع و با آیه ۱۵۸ از سورة الاعراف تمام می شود. ظاهراً مربوط به قرن نهم هجری است.

۱۸- تبریز، کتابخانه ملی، تاریخ آن یاد نشده است، بخشی از تفسیر قرآن است با روش پرسش و پاسخ، از این جهت، می توان آن را بخشی از تفسیر سورآبادی دانست.

۱۹- مجلس شورای اسلامی، خط ثلث، تاریخ آن ضبط نشده است، از روی

قراین می‌توان آن را بخشی از تفسیر سورآبادی دانست.

تلخیص‌ها :

۱- نسخه کتابخانه قاهره . این نسخه شامل نیمه دوم قرآن، یعنی از سوره مریم تا آخر است. در اینجا همه آیات یکی بعد از دیگری نقل و سپس ترجمه و تفسیر شده است. فراهم آورنده، ابتدا آیه‌ای را نقل و بعد از آن چند آیه را یکجا ترجمه و تفسیر و قصه مربوط به آن‌ها را نقل کرده است. سؤال و جواب‌ها، در این تلخیص حذف شده است.

۲- قسمت اول از نسخه فائج. این نسخه از سوره مریم تا آخر سوره الصافات، از تفسیر سورآبادی تلخیص شده است. در این تلخیص آیات جزء جزء ترجمه و گاهی به اختصار تفسیر شده است و اختلاف عبارات ترجمه با آنچه در سورآبادی است، کم است. سؤال و جواب به آیات دیده می‌شود و همه قصص نقل نشده است.

۳- نسخه تربت شیخ جام. این نسخه در چهار مجلد بزرگ، مشتمل بر قرآن و ترجمه آیات به فارسی در زیر سوره و فواید و تفسیر بعد از هر سوره در عدد حرف و کلمات و آیات و فضل سوره و قصص مربوط به آن است. برای اطلاع بیشتر در خصوص نسخه مذکور، رک: (قصص قرآن مهید، بیست و سی)

چاپ‌ها :

۱- تفسیر قرآن کریم، عکس نسخه مکتوب به سال ۱۳۲۲، (ج ۵ و ۶)، محفوظ در کتابخانه دیوان هند، لندن، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، مقدمه استاد مجتبی مینوی، ۱۳۲۵.

۲- ترجمه و قصه‌های قرآن کریم، از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، به سعی و اهتمام یحیی مهدوی - مهدی مهدوی، در ۲ مجلد، طهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

۳- یوسف و زلیخا، از تفسیر فارسی تربت جام، به کوشش پرویز نائل خالگری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵.

۴- تفسیر چند سوره از قرآن، از ابوبکر عتیق نیشابوری (شامل سوره‌های یوسف،

ابراهیم، بنی اسرائیل، کشف، مریم، طه)، به اهتمام یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

۵- قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، طهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

۶- تفسیر سوره آبادی، (تفسیر کامل قرآن)، به تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، بدون مقدمه در ۵ جلد، تهران، نشر نو، ۱۳۸۱.

(در پژوهش حاضر تمام شواهد متن و مقدمه، مبتنی بر چاپ مذکور است.)

۱. ابوبکر عتیق نیشابوری، مصنف تفسیر سوره آبادی:

از ابوبکر عتیق نیشابوری، معروف به سوره آبادی، در کتاب‌های متداول مربوط به انساب و رجال و طبقات از جمله «الانساب سمعانی»، «وفیات الاعیان»، «وفیات الوفیات»، «طبقات شافعیه الکبیر»، «جواهر المصنیه»، «شذرات الذهب»، «طبقات المفسرین» و جز آن‌ها، نشانی یافت نشده است. اطلاع ما درباره او بسیار کم است. از این مفسر بزرگ، به صورت بسیار گذرا در «انساب الثانیین»، «وجوه القرآن»، «جیش تفلیسی»، «تاریخ گزیده» و «کشف الظنون حاجی خلیفه» یا شده است. نیز در نسخه عکسی «کتاب السیاق» تألیف ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل، رسی، متوفی در ۵۲۷ که ذیلی است بر تاریخ حاکم در تاریخ نیشابور، درباره ابوبکر عتیق آمده است: «عتیق بن محمد السوریانی، ابوبکر شیخ طائفه ابی عبدالله فی عصر بنیساوور، در رم، بالنهار قوام باللیل، عابد مجتهد فاضل توقی فی صفر سنه اربع و تسعین و اربعمان، از این مختصر علاوه بر سال فوت ابوبکر عتیق که ۴۹۴ بوده است، تعلق وی به نیشابور نیز شایده سی شود. چون مقصود از «ابی عبدالله»، همانا ابوعبدالله محمد بن کرّام سجستانی است، کرّامی بودن صاحب این تفسیر نیز معلوم می‌گردد. (قصص قرآن مجید، سیزده)

در کتاب انیس الثانیین، تألیف شیخ احمد جام (ژنده پیل)، نام تفسیر به صورت «ابوبکر سوریانی» ضبط شده و اطلاعاتی از وی داده شده است. (همان جا).

حمدالله مستوفی، در تاریخ گزیده به معرفی بسیار اجمالی وی پرداخته است.

«سورآبادی ابوبکر عتیق بن محمد الهروی صاحب التفسیر بالتفاسیر، معاصر سلطان آلب ارسلان سلجوقی بود.» (مستوفی: تاریخ گزیده ۶۹۴)

حاجی خلیفه در کشف الظنون نیز ظاهراً به نقل از تاریخ گزیده، وی را «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی» معرفی کرده است. (حاجی خلیفه: کشف الظنون ۱/۲۴۰)

از تمام نسخه‌ها و منابعی که نام سورآبادی در آن‌ها به نحوی ذکر شده است، نام و کنیه و نسب او مشخص می‌شود: «ابوبکر عتیق بن محمد». لکن انتساب او به «سوربان» یا «سورآیان»، «سوریان» و «سورآباد» در محل شک است به‌خصوص از این جهت که در هیچ‌یک از کتاب‌های جغرافیایی، مثل معجم البلدان نامی از «سورآباد» برده نشده است. حال آن‌که در آن کتاب، «سوریان» نام یکی از قرای نیشابور ذکر شده است. احتمال بسیاری می‌رود که تداول ختم اسامی به لفظ «آباد» باعث تبدیل «سوریان» یا «سورایان» به «سورآباد» شده باشد. به‌خصوص که «سورابانی» و «سورابادی» در کتابت به یکدیگر نزدیک است، اما این نیز محتمل است که نام‌عروف بودن نام سورآباد، برای بعضی از کاتبان بعد موجب شده باشد که ابوبکر عتیق را به محلی که برای ایشان معروف بوده، یعنی «سوریان» یا «سوربان» نسبت داده باشند. (قصص قرآن مجید، پانزده)

ارزش‌های تفسیر سورآبادی:

تفسیر سورآبادی، یکی از تفسیرهای مهم قرآن به زبان فارسی از مفسر اهل سنت و جماعت و از کرامیان خراسان است. اثر این تفسیر ساده، روان و مستقیم به نثر ساده قرن پنجم هجری است و تمام ویژگی‌های آن را داراست. این تفسیر دارای ارزش‌های دووجهی است. از نظر قدمت زمانی، سومین تفسیر فارسی بازمانده است و از این جهت برای تحقیق در سنت تفسیر نویسی فارسی، بسیار ارزشمند است. از نظر شیوه و روش تفسیر، نیز در بررسی این نکته که مفسر به کدام بخش از قرآن اهمیت ویژه داده و بیشتر در آن حوزه تتبع کرده، بسیار مهم است.

تفسیر سورآبادی، معلوم است از داستان پیامبران، اولیاء و ستمگران و جباران روزگاران گذشته. بسیاری از این داستان‌ها و یا بخش‌هایی از آن‌ها، وارد فرهنگ ادبیات

فارسی شده است و شاعران فراوانی چه در گذشته و چه در حال مضمون‌های فراوانی از آن‌ها ساخته‌اند. زبان تفسیر، زبان ساده و شیوای خراسانی و مملو از واژگان و ترکیب‌هایی که بعضی از آن‌ها منسوخ شده و بعضی دیگر تحول معنایی یافته، امروزه دیگر در آن معنی به کار نمی‌رود و یا مخصوص زبان محاوره شده است. گونه‌های مختلف تلفظ واژگان نیز در این تفسیر جایگاه مهمی دارد.

نوع به کارگیری زبان در زمینه دستور زبان، دامنه افعال، معانی مختلف حروف صافه، فعل‌های متنوعی که با استفاده از حروف و پیشوندها ساخته شد، ساختار جمله‌ها، تقدیم و تاخیر در اجزای جمله، انواع مختلف جمله‌ها، اطلاع وسیع و ذی قیمتی از ناسی آن روزگار را به دست می‌دهد. علاوه بر فواید لغوی و لطایف و دقائق ادبی، این تفسیر به زبان ساده و بیرون از اصطلاحات فلسفی و کلامی که در شیوه تفسیر نویسی - به خصوص در تفسیرهای عربی - موجود است، نگاشته شده است. دکتر زرین کوب، در این - صوضه - نوشته است: «کنجکاوی و علاقه‌ای که طالبان قدیم تفاسیر فارسی به احوال انبیا و قصص قدسی نشان داده‌اند و مخصوصاً اجتناب نویسندگان این تفاسیر از طرح مباحث مهم و پیچیده مربوط به احکام و عقاید در کتاب موجب شده است تا در تعدادی از این تفاسیر، نظر به تقریر احوال امم سالف و انبیای سلف مقصور گردد. در سایر مباحث به اجمال و اشارت بسنده آید. تفسیر سورآبادی، که مؤلفی به نام ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی از اهل هرات یا نیشابور، به عهد آلپ ارسلان سلجوقی، تدوین کرده است، از این جهت است (زرین کوب: از گذشته ادبی ایران ۱۱۷)